

اشاره:

در جهان معاصر، شکل‌گیری مسائل گوناگون در حوزه‌های مشترک بشری، ایجاد و گسترش نگرشی جهانی را نسبت به آرمان‌ها، آلام و مشکلات بشری ضروری جلوه می‌دهد. آرمان جهانی امن و عاری از تهدیدات مختلف (نظامی، زیست‌محیطی، فرهنگی، اقتصادی و...) به خوبی میان ملل مختلف و متفاوت قابل مشاهده است. متأسفانه تحول در زمینه اطلاعاتی و رسانه‌ای در دنیای حاضر چنان ابعاد گسترده‌ای یافته است که بی‌نظمی، نابسامانی و هرج و مرج ناشی از آن، احساس ناامنی را در گستره جهانی افزایش داده است.

تحولات شگرفی در فناوری‌های مربوط به جمع‌آوری، تولید، فرآوری و توزیع اطلاعات رخ داده است. دیگر سخن گفتن از انفجار اطلاعات (Information Explosion) و انقلاب ارتباطاتی (Communication Revolution) و تأثیرات رسانه‌ها بر شکل‌گیری افکار عمومی جهانی (Global Public Opinion)، بویژه پس از توسعه تکنولوژی‌های عظیم ارتباطاتی، عادی به نظر می‌رسد. شبکه‌های کامپیوتری، ماهواره‌ها، خبرگزاری‌ها و ایستگاه‌های مختلف رادیویی و تلویزیونی، بسیاری از مفروضات و اصول پیشین را در ساختار روابط و حقوق بین‌الملل به چالش طلبیده‌اند. مرزهای سیاسی و حقوقی دولت‌ها کمرنگ شده و حاکمیت آنها - که مهم‌ترین بازیگران عرصه جهانی‌اند - جایگاهی متزلزل دارد. مفاهیمی مانند مرزهای ملی، هویت ملی و فرهنگی، حاکمیت، و استقلال مفهوم نخستین خود را از دست داده‌اند و تعریف دوباره (Redefinition) آنها بیش از پیش ضروری به نظر می‌رسد.

امنیت ملی و بین‌المللی نیز، متأثر از انقلاب اطلاعاتی و رسانه‌ای، مفاهیم و چارچوب‌های نوینی یافته است. بنابراین نیاز به تعیین مرزهای جدید و شناخت تهدیدات امنیتی جدید، که ماهیتی بسیار متفاوت از تهدیدات سنتی دارند، روزبه‌روز بیشتر می‌شود. به عبارت دیگر، می‌توان گفت که انقلاب ارتباطات، ابعاد امنیتی جدیدی را در سطوح ملی و بین‌المللی ایجاد کرده است که باید آنها را مورد بررسی و

تحلیل دقیق قرار داد.

اگر چه کنترل دولتی رسانه‌ها، اخبار، اطلاعات و خبرگزاری‌ها ممکن است نه مطلوب و نه امکان‌پذیر باشد اما ضرورت دارد تا در سطح بین‌المللی، نظم رسانه‌ای نوینی تعیین و تعریف شود تا بتوان پیامدهای منفی این انقلاب رسانه‌ای را در بُعد صلح و امنیت جهانی به حداقل رساند و تهدیدات ناشی از آن را به فرصت‌هایی در جهت افزایش و گسترش صلح و امنیت جهانی بدل کرد. این مقاله بر آن است که ایجاد نظم نوین در بُعد رسانه‌ای و ارتباطات بین‌المللی می‌تواند به تضمین صلح و امنیت جهانی کمک کند؛ همان‌گونه که در وجه مقابل، گسترش بی‌نظمی، هرج و مرج و سامان‌گریزی در عصر و دنیای ارتباطات می‌تواند تهدیدی جدی برای صلح و امنیت جهانی به‌شمار آید.

بسیار ترتیب ضروری است نظم نوینی در حوزه رسانه‌ای شکل بگیرد و توازن جدیدی در زمینه اطلاعات و ارتباطات بین‌المللی ایجاد شود؛ به‌گونه‌ای که ساماندهی انقلاب ارتباطاتی به افزایش احساس امنیت در بین دولت‌ها و ملت‌ها در صحنه جهانی منجر شود.

در این مقاله، نخست به ابعاد مختلف تحول رسانه‌ای اشاره‌ای کوتاه خواهد شد سپس برخی از تأثیرات خبرگزاری‌ها و رسانه‌های جمعی بر شکل‌گیری افکار، فرهنگ‌ها و نگرش‌های نو به اختصار بررسی می‌شود. همچنین قدرت انقلاب ارتباطاتی در حوزه‌های متفاوت نیز مورد بررسی قرار خواهد گرفت. در بخش دیگری از این مقوله، به سوءاستفاده‌هایی که توسط حکومت‌ها در سطوح ملی و بین‌المللی از انقلاب تکنولوژی اطلاعات صورت می‌گیرد، پرداخته خواهد شد و جلوه‌هایی از امپریالیسم خبری و نبردهای فرهنگی و عملکردهای سوء برخی حکومت‌ها در زمینه تولید و توزیع اطلاعات و اخبار آشکار خواهد شد. بخش پایانی نیز به تبیین امکان‌ها و راهکارهایی در جهت ایجاد نظم نوین رسانه‌ای اختصاص دارد و ضمن اشاره به کوشش‌هایی که تاکنون در این زمینه صورت گرفته است، بر ضرورت تدوین و تنظیم هر چه سریع‌تر چنین نظمی تأکید می‌کند تا

نشان دهد که برقراری نظم نوین رسانه‌ای هم ضروری است و هم مطلوب؛ هم امکان‌پذیر است و هم به سود همگان است که در ایجاد آن مشارکت، همفکری و همکاری کنند.

نگارنده معتقد است «دهکده جهانی» مارشال مک لوهان، که در حال شکل‌گیری است، در ذات خود هم عناصر درگیری‌های گسترده‌تری را در بردارد و هم می‌تواند به گسترش صلح و امنیت جهانی منجر شود. اگر چه شکل‌گیری این دهکده جهانی پس از انقلاب رسانه‌ای و ارتباطاتی اجتناب‌ناپذیر شده است اما با تنظیم قواعد رسانه‌ای و اطلاعاتی حاکم بر این دهکده می‌توان از وقوع تهدیدات و منازعات در آن پیش‌گیری کرد.

۱- ابعاد مختلف تحول رسانه‌ای

در دهه‌های اخیر تحولات بنیادینی - از لحاظ کمی و کیفی - در رسانه‌های جمعی رخ داده است. اصطلاحاتی همچون عصر ارتباطات (Communication Age)، انفجار اطلاعات (Information Explosion)، انقلاب ارتباطات (Communication Revolution)، جامعه اطلاعات (Communication Society)، اسطوره یا ایدئولوژی جامعه اطلاعات (The Myth of the Information Society) و نظائر آن که در سال‌های اخیر در کتاب‌ها و مقالات تخصصی محققان علوم ارتباطات و نیز بسیاری از آثار پژوهشگران علوم اجتماعی بازتاب یافته‌اند، نشانه‌های گرایش جهانی به پیشرفت‌ها و دگرگونی‌های تکنولوژی ارتباطی و تضادها و تقابلی‌های مربوط به آن به‌شمار می‌روند.^۱

برخی از ویژگی‌های اساسی این تحولات بنیادین را می‌توان این‌گونه تقسیم‌بندی کرد:

۱- رسانه‌های جدید امکان دسترسی به اطلاعات را برای شهروندان، سیاستمداران و دیوانسالاران افزایش

داده‌اند.

۲- رسانه‌های جدید جمع‌آوری، انباشت و توزیع اطلاعات را سرعت بخشیده و محدودیت‌های زمانی و مکانی را از بین برده‌اند.

۳- رسانه‌های جدید به دریافت‌کنندگان اطلاعات امکان داده‌اند تا کنترل بیشتری روی آن داشته باشند.

۴- رسانه‌های جدید امکان قبض و بسط اطلاعات را برای فرستنده فراهم کرده‌اند.

۵- رسانه‌های جدید امکان تمرکززدایی را افزایش داده‌اند.

۶- رسانه‌های جدید امکان تعامل میان فرستنده و گیرنده اطلاعات را فراهم آورده‌اند.^۲

بدین ترتیب جریان یکسویه تولید و توزیع اخبار و اطلاعات در حال تبدیل شدن به جریانی دو سویه است؛ یعنی گیرندگان پیام‌ها و اطلاعات خود نیز به فرستندگان آنها تبدیل شده‌اند و متقابلاً می‌توانند بر مخاطبان خود تأثیرگذار باشند. انحصار حکومتی رسانه‌ها و خبرگزاری‌ها درهم شکسته است و بدون دخالت دولت‌ها - و حتی گاه بدون رضایت آنها - ملت‌ها با یکدیگر ارتباط برقرار کرده و دیالوگی جهانی پدید آورده‌اند. امکان کنترل و نظارت حکومت‌ها بر جریان اطلاعات و اخبار به‌شدت کاهش یافته و سایت‌های اینترنتی، شبکه‌های رایانه‌ای و ایستگاه‌های ماهواره‌ای مرزهای ملی را درنوردیده‌اند. بدین ترتیب حاکمیت دولت‌ها بر مرزهای زمینی مخدوش شده است. تغییر در افکار عمومی از طریق دستکاری (Manipulation) اطلاعات و اخبار، عدم درج اخبار خاص، بزرگنمایی و اگراندیس‌مان اخبار موردنظر، و یا نشر اطلاعات غلط (Misinformation) از انحصار حکومت‌ها خارج شده است. امکانات مخالفان حکومت‌ها نیز در



■ اگر چه مطبوعات و رسانه‌های قرن بیستم، نقش بسیار مهمی در بیداری ملت‌های ستمدیده و گسترش مبارزات آزادیخواهانه و ضداستعماری ایفا کرده‌اند اما در عین حال نمی‌توان تأثیرات آنها را بر گسترش تلاش‌های عامدانه برخی حکومت‌ها در زمینه ترویج عقاید، فرهنگ‌ها و رفتارهای مطلوب و موردنظرشان نادیده گرفت.

استفاده از تحولات رسانه‌ای به شکل قابل توجهی افزایش پیدا کرده و اهرم‌های جدید قدرت در اختیار آنها قرار گرفته است. البته ظهور انقلاب در تکنولوژی‌های اطلاعاتی و رسانه‌ای، پارادوکس‌های متعددی را نیز به وجود آورده است؛ از یکسو شاهد امکان ایجاد دموکراسی مستقیم به سبک دولت - شهرهای یونان باستان هستیم که به یمن پدیده جدیدی به نام «تله دموکراسی» شهروندان را در برقراری یک ارتباط مستقیم دو جانبه با حکومت‌ها یاری داده و نظارت مردمی بر عملکرد حاکمان و لزوم پاسخگویی آنها را افزایش داده است. از سوی دیگر، دسترسی آسان‌تر و سریع‌تر برخی افراد و گروه‌ها به اطلاعات و اخبار، برگ برنده‌ای را در اختیار آنان قرار داده است تا بتوانند از طریق آنها، سایر ابزارها و اهرم‌های قدرت را نیز در اختیار بگیرند. انقلاب رسانه‌ای همچنین از یکسو، ظهور پدیده جهانی شدن را سرعت می‌بخشد و از سوی دیگر به بیداری هویت‌های جدید و جنبش‌های جدید قومی، مذهبی، نژادی، و... منجر می‌شود؛ از یکسو همگرایی را در ابعاد جهانی تقویت می‌کند و از سوی دیگر

و اگرایی‌های متعددی را سبب شده است. اگر چه مطبوعات و رسانه‌های قرن بیستم، نقش بسیار مهمی در بیداری ملت‌های ستمدیده و گسترش مبارزات آزادیخواهانه و ضداستعماری ایفا کرده‌اند اما در عین حال نمی‌توان تأثیرات آنها را بر گسترش تلاش‌های عامدانه برخی حکومت‌ها در زمینه ترویج عقاید، فرهنگ‌ها و رفتارهای مطلوب و موردنظرشان نادیده گرفت. کوشش‌های تبلیغاتی آمریکاییان در جهت اشاعه نظام فرهنگی خود در جوامع دیگر و ترویج شیوه زندگی آمریکایی (American Way of Life) با پیشرفت‌های تکنولوژیک در حوزه رسانه‌ها تا حد زیادی با موفقیت قرین شده است، همان‌گونه که انگلیسی‌ها نیز زمانی سودای اشاعه نمادهای انگلیسی (British Institutions) یعنی تأسیسات و نظام‌های قضایی و اجتماعی و سیاسی جامعه خویش را در سر داشتند اما بدین علت که هنوز انقلاب تکنولوژیک در عرصه اطلاعات را درک نکرده بودند، موفقیت جهانی پیدا نکردند. فرانسویان نیز همچنان، فرهنگ و تمدن خود را به مثابه والاترین مظهر آفرینندگی فکر و ذوق بشری شایسته گسترش در سراسر جهان می‌دانند و از ابزارهای نوین رسانه‌ای در این راستا کمک می‌گیرند تا تولیدات فرهنگی خود را به سراسر جهان صادر کنند.

۲- قدرت رسانه‌ها و سوءاستفاده از آنها در سطوح ملی و بین‌المللی تسلط بر رسانه‌ها و خبرگزاری‌ها، قدرت عظیم و فوق‌العاده‌ای را در اختیار بازیگران عمده صحنه سیاست یعنی دولت‌ها قرار داده است؛ به گونه‌ای که به خوبی با به‌کارگیری اهرم‌های خبری و اطلاعاتی توانسته‌اند به تغییر باورها و نگرش‌های جمععی و یا شکل‌دهی به افکار عمومی داخلی یا خارجی اقدام کنند. سوءاستفاده‌های گروهی از حکومت‌های

قدرتمند از ظرفیت‌های بالای رسانه‌ای، می‌تواند منجر به بروز پدیده‌ای در سطوح ملی یا بین‌المللی شود که می‌توان آن را «استبداد اطلاعاتی» (Information Despotism) نامید. استبداد اطلاعاتی در واقع تشکل تازه‌ای از استبدادهای سنتی است که در قالب‌های نظامی و سیاسی جلوه‌گر می‌شدند. بدین ترتیب می‌توان ادعا کرد که تلاش‌های آزادیخواهان جهان و مبارزان ضد استبدادی هنوز به پایان نرسیده است و راه درازی تا محور استبداد به ویژه در قالب جدید آن یعنی «استبداد اطلاعاتی» باقی است.

امروزه بحث از امپریالیسم خبری، تراست‌های اطلاعاتی، کارتل‌های رسانه‌ای، و یا استعمار فرهنگی به‌ویژه در پرتو انقلاب اطلاعاتی، رواج گسترده‌ای پیدا کرده است. باید یادآوری کرد که خبرگزاری‌های عمده دنیای غرب همانند دیگر نهادها و نگرش‌های غربی، در بطن زمینه‌های تاریخی استعمار به وجود آمده‌اند و اساساً رفتارها، عملکردها و مبانی فکری آنها ماهیت غربی دارد. حتی ساختارهای فنی، منافع اقتصادی و ادبیات حاکم بر آنها نیز از متن فرهنگ غرب نشأت گرفته است. این در حالی است که کشورهای در حال توسعه همچنان اطلاعات و اخبار جهانی مورد نیاز خود را از طریق همین خبرگزاری‌ها کسب می‌کنند. در واقع اعمال سلطه سیاسی و فرهنگی غرب بر بخش عمده‌ای از جهان حاضر، از طریق کنترل منابع جمع‌آوری خبر، صدور گسترده و انبوه فرآورده‌های فرهنگی برنامه‌ریزی شده به سراسر جهان، مالکیت سازمان‌های انتشاراتی و خبرگزاری‌ها، و برخورداری از وسایل و تجهیزات پیشرفته رسانه‌ای امکان‌پذیر شده است. بسیاری از صاحب‌نظران از سیاستمداران جهان سومی گرفته تا اندیشمندان غربی نظیر هربرت شیلر آمریکایی و جرومی تانستال انگلیسی و



■ تسلط بر رسانه‌ها و خبرگزاری‌ها، قدرت عظیم و فوق‌العاده‌ای را در اختیار بازیگران عمده صحنه سیاست یعنی دولت‌ها قرار داده است؛ به‌گونه‌ای که به خوبی با به‌کارگیری اهرم‌های خبری و اطلاعاتی توانسته‌اند به تغییر باورها و نگرش‌های جمعی و یا شکل‌دهی به افکار عمومی داخلی یا خارجی اقدام کنند.

■ امروزه بحث از امپریالیسم خبری، تراست‌های اطلاعاتی، کارتل‌های رسانه‌ای، و یا استعمار فرهنگی به‌ویژه در پرتو انقلاب اطلاعاتی، رواج گسترده‌ای پیدا کرده است.

■ در جوامع غربی با وجود ادعای خصوصی‌بودن مطبوعات و خبرگزاری‌های عمده، تولید اطلاعات و انتشار اخبار مهم هنوز هم در انحصار و کنترل دولت‌ها قرار دارد.

کارل نورد نستریخ فنلاندی بر این نکته اتفاق نظر دارند که هنوز هم رسانه‌های خبری جهان تحت تأثیر و سلطه مستقیم چهار خبرگزاری عمده غربی (رویتر، آسوشیتد پرس، یونایتد پرس، فرانس پرس) قرار دارند که ذاتاً امپریالیست هستند و در راستای اهداف امپریالیستی غرب حرکت می‌کنند.^۲

اینچنین است که خبرگزاری‌ها و رسانه‌های جمعی غرب با اتکاء به قدرت تکنولوژیکی خود به ارائه چهره‌ای

مخدوش از برخی حکومت‌ها، فرهنگ‌ها، اقوام، و یا ادیان می‌پردازند و به شکلی سیستماتیک در جهت‌دهی به افکار عمومی جهانی و شکل‌گیری عقاید و گرایش‌ها و رفتارهای موردنظر خود تلاش می‌کنند. به‌عنوان مثال، رسانه‌های غربی طوری افکار عمومی جهانی را کانالیزه و شرطی کرده‌اند که بلافاصله پس از وقوع هر حادثه ترویرستی، انفجار، و یا هواپیماری تمامی اذهان متوجه دخالت یک یا چند کشور از خاورمیانه و یا گروهی از مسلمانان در این‌گونه حوادث می‌شوند. به همین دلیل برخی از اندیشمندان به شکل جدی بر خطرات ناشی از شکل‌گیری یک امپراتوری فرهنگی - رسانه‌ای از رهگذر فرآیند جهانی شدن تأکید کرده‌اند؛ امپراتوری بزرگی که می‌تواند هویت‌های ملی، فرهنگی، دینی و اعتقادی ملت‌های مختلف جهان را با استفاده از پیشرفت‌های تکنولوژیکی در بُعد رسانه‌ای و ارتباطات مورد تهدید قرار دهد. برخی نیز خطر بروز یک جنگ جهانی فرهنگی - اطلاعاتی را گوشزد کرده‌اند که به دنبال گسترش تکنولوژی‌های رسانه‌ای در سراسر جهان و به خاطر مقاومت ملت‌ها، قومیت‌ها، و فرهنگ‌ها و ادیان متعدد و متفاوت در برابر هجوم رسانه‌ای غرب، روز به روز نزدیک‌تر می‌شود.^۳ چند دهه پیش نیز مارشال مک لوهان کانادایی پیش‌بینی کرده بود «جنگ‌هایی که در آینده رخ خواهند داد به‌وسیله تسلیحات جنگی و در میدان‌های نبرد نخواهند بود بلکه این جنگ‌ها به دلیل تصویری رخ خواهند داد که رسانه‌های جمعی به مردم القاء می‌کنند.»

نکته‌ای که در اینجا باید بدان اشاره کرد، مسأله سوءاستفاده رسانه‌ها و خبرگزاری‌های غربی از بی‌اعتمادی ملت‌های جهان سوم به حکومت‌های خودی و اطلاعات و اخبار تولیدی



آنهاست. در بسیاری از کشورهای جهان سوم که دارای حکومت‌های غیرمردمی و غیردمکراتیک هستند، مطبوعات و رسانه‌ها و خبرگزاری‌ها به طرز ناشایسته‌ای به ابزارهای تحمیل عقیده و تغییر نگرش‌ها تبدیل شده‌اند. بنابراین تولیدات خبری و فرهنگی و تبلیغاتی آنها نه تنها در خارج از مرزهای آنها خریداری ندارد بلکه همانند دیگر محصولاتشان به علت فقدان کیفیت و جذابیت، در داخل کشور نیز طرفداری ندارد و مردم نسبت به آنها بی‌توجه و بی‌اعتمادند. البته بی‌اعتمادی و دلزدگی مردم از تولیدات خبری و فرهنگی هدایت شده توسط مجریان دستگاه‌های حکومتی، ریشه‌های تاریخی دارد؛ چرا که این ابزارها همواره در فضایی آکنده از اغراق، پنهانکاری، قلب و تحریف واقعیت‌ها و حقایق صرفاً در جهت بقای حکومتگران و صاحبان قدرت به کار گرفته شده‌اند.^۵ در چنین فضایی است که دستگاه‌های رسانه‌ای و ارتباطاتی غرب نیز با بهره‌برداری از همین جو عدم اعتماد و بی‌اعتمادی مردم نسبت به تولیدات خبری و فرهنگی داخلی، وارد میدان می‌شوند تا با تولید اخبار و اطلاعات جذاب، متنوع و جدید، بازارهای خبری کشورهای جهان سوم را تسخیر کنند و به تغییر نگرش‌ها، و ذائقه‌های فکری و فرهنگی مردم این جوامع در راستای منافع خود بپردازند.

البته در جوامع غربی با وجود ادعای خصوصی‌بودن مطبوعات و خبرگزاری‌های عمده، تولید اطلاعات و انتشار اخبار مهم هنوز هم در انحصار و کنترل دولت‌ها قرار دارد. مثال روشن در این زمینه، ماجرای جنگ خلیج فارس است که طی آن برای مدتی نسبتاً طولانی جریان اخبار و اطلاعات به‌طور صریح و آشکاری تحت کنترل و نظارت دولت‌های غربی و به‌ویژه آمریکا قرار گرفت، سانسور خبری شدیدی حکمفرما شد و بسیاری از

■ در اواخر سال ۱۹۷۸

کنفرانس عمومی یونسکو طی بیانیه‌ای مسأله «جریان آزاد و متوازن» اطلاعات را مورد تأکید قرار داد که هدف آن، تأکید بر از میان برداشتن عدم توازن در جریان اطلاعات میان دنیای غرب و جهان سوم بود.

اندیشمندان غربی بی‌اعتمادی خود را نسبت به خبرگزاری‌ها و رسانه‌های دنیای غرب اعلام کردند. در جریان همین جنگ بود که بوش پدر توانست با تبلیغات گسترده و مبارزه رسانه‌ای وسیع به افکار عمومی جهان القا کند که وی صرفاً مجری قطعنامه‌های سازمان ملل در مجازات حکومت عراق است و در این اقدام، منافع خود را دنبال نمی‌کند. این تبلیغات گسترده در نهایت به انزوای عراق از نظر دیپلماتیک انجامید.^۶ پس از جنگ خلیج فارس اختلافات عمده‌ای میان برخی از رسانه‌های آمریکا و پنتاگون درباره تلاش‌های این نهاد برای دستکاری کردن اخبار و اطلاعات و اقدام عمده‌ی آن در دور نگهداشتن گزارشگران از نبرد زمینی، بروز کرد.^۷

بدین‌سان والتر لیپمن اندیشمند معروف غربی معتقد است که «تصاویری که رسانه‌های جمعی ارائه می‌دهند غالباً ساختگی و گمراه‌کننده است.»^۸ در زمینه جعل واقعیت‌ها و القاء باورها باید به گفته آنتونی اسمیت نیز اشاره کرد که می‌گوید: «ما تصور می‌کنیم که بهای اتومبیل ضرورتاً باید در حال افزایش باشد و هیچکس را در این رابطه مقصر نمی‌دانیم

در حالی که اگر بهای نفت افزایش یابد، حتماً آن را نتیجه خصومت‌ورزی چند عرب خواهیم دانست.»^۹ پیرامون قدرت رسانه‌ها و مؤسسات خبری در تغییر و انحراف افکار و یا تهییج احساسات به نمونه دیگری اشاره می‌شود: اقدام شرکت هیل و نولتون Hill and Nolton (شرکت آمریکایی تبلیغات رسانه‌ای) استخدام شده توسط حاکمان برکنار شده کویت، در جریان تهاجم عراق به کویت باعث شد که افکار عمومی آمریکا در جهت مداخله نظامی آن کشور در کویت آماده شود. شرکت مذکور دختر ۱۴ ساله سفیر کویت در آمریکا را تعلیم داد تا با گریه‌ورزی در برابر نمایندگان کنگره آمریکا حاضر شده و مشاهدات عینی خود را از جنایات سربازان عراقی هنگام کشتار نوزادان تازه متولد شده در بیمارستان‌های کویت (به خاطر تاراج دستگاه‌های آنکوباتور موجود در زایشگاه‌ها تشریح کند. در حالی که این دختر در زمان تجاوز عراق، اصلاً در کویت نبوده است.

به همین ترتیب، سردمداران غرب با اعتقاد به این اصل که «هیچ تمدنی بدون دشمن دوام نمی‌آورد»، در فردای جنگ دوم جهانی تبلیغات رسانه‌ای گسترده‌ای را راه انداختند تا از شیخ کمونیسیم یک هیولا بسازند و اروپای غربی را متحد کنند و در کنار آمریکا قرار دهند. امروز نیز با اعتقاد به همان اصل، در فردای فروپاشی حکومت کمونیستی شوروی، ماشین رسانه‌ای و تبلیغاتی خود را بسیج کرده‌اند تا اسلام را به عنوان خطری اساسی برای نظام لیبرال - دمکراسی غرب معرفی کنند. جای تأسف است که در این میان، روشنفکرانی همچون ساموئل هانتینگتون نیز با ارائه نظریاتی همچون «نظریه برخورد تمدن‌ها» و یا فوکویاما با نظریه «پایان تاریخ و برتری نظام لیبرال دمکراسی غربی» سرمست از حادثه فروپاشی شوروی، غول خبری - رسانه‌ای

غرب را به القاء ایده پیروزی تمدن غرب بر سایر تمدن‌ها تهییج و تحریک می‌کنند. غافل از آن‌که فروپاشی شوروی قبل از آن‌که معلول اقدامات رقبا و دشمنان غربی آن باشد، محصول انهدام درونی و عملکرد سوء و نابخردانه سردمداران حکومتی آن بود. به گفته ویل دورانت: هیچ تمدنی تا از درون ویران نشده باشد، از بیرون مغلوب نمی‌شود.

۳- نظم‌نویین رسانه‌ای: امکانات و راهکارها در راستای گسترش صلح و امنیت جهانی

بحث در مورد نظم نوین رسانه‌ای، قدمتی در حدود نیم قرن دارد؛ اگر چه شاید بتوان گفت از زمانی که آزادی مطبوعات برای اولین بار در اعلامیه حقوق بشر و شهروند در سال ۱۷۸۹ همزمان با پیروزی انقلاب کبیر فرانسه مطرح شد، روند شکل‌گیری رفتارهای رسانه‌ای به نوعی آغاز شده است. اما نخستین تلاش‌های جدی در این زمینه، توسط تعدادی از ژورنالیست‌های جهان سومی انجام شد که طی آن در صدد برآمدند از سلطه قواعد رسانه‌ای غربی حاکم بر مطبوعات و شیوه‌های خبررسانی موجود رها شوند. بدین ترتیب تعدادی از روزنامه‌نگاران آمریکای لاتین در سال ۱۹۶۴ م خبرگزاری اینترپرس سرویس (IPS) را به عنوان یک خبرگزاری مستقل تأسیس کردند که مرکز آن در بوینس آیرس است و در سطح بین‌المللی به صورت یک سازمان غیرانتفاعی فعالیت می‌کند. توجه به مسائل آمریکای لاتین به طور اخص و مسائل جهان سوم به طور اعم، از جمله اهداف خبرگزاری اینترپرس سرویس بوده است. این خبرگزاری در آغاز کار خود با برخی از نیروهای انقلابی در کشورهای تازه استقلال یافته آفریقا، روابط مستحکمی برقرار کرده بود. جلب توجه روشنفکران جهان سومی به مسائل

■ به دلیل گسترش فناوری اطلاعاتی و توسعه انقلاب

ارتباطاتی، نه تنها بازیگران عمده می‌توانند سریع‌تر و به شکل گسترده‌تر پیام‌های خود را به مخاطبان خویش

برسانند بلکه برای بازیگران کم و بیش کوچک‌تر نیز این امکان فراهم آمده است تا بتوانند صدای خود را بهتر به گوش جهانیان برسانند.

■ دهکده جهانی مارشال مک

لوهان که به دنبال انقلاب رسانه‌ای شکل گرفته است، فقط صلح‌آفرین نیست؛ بلکه هر دو وجه «نزاع» و «همیاری» را در درون خود به طور بالقوه داراست.

مشترک این کشورها نیز همواره مدنظر گردانندگان این خبرگزاری بوده است. توجه به روابط بین کشورهای صنعتی و جهان سوم، نحوه همکاری آنها برای فائق آمدن بر سلطه جوی غرب، و بررسی سیاست‌های قدرت‌های بزرگ در قبال جهان در حال توسعه، از جمله مسائلی است که اینترپرس سرویس در کنار مسائل جاری به آن توجه می‌کند. این خبرگزاری نه تنها تمام سنت‌های ژورنالیستی غربی را زیرپا گذارده، بلکه در تلاش است که

مسائل بخشی از جهان حاضر را با روش‌های ژورنالیستی کاملاً جدیدی بازگو کند. تمامی خبرگزاری‌های جهان سوم با داشتن خبرنگار در این خبرگزاری، می‌توانند با آن همکاری کنند. ایجاد هماهنگی و وحدت در جهت مقابله با امپریالیسم خبری، هدف مهم این خبرگزاری است و به همین لحاظ برخی از کشورهای جهان سوم که از لحاظ امکانات فنی و مالی در مضیقه‌اند، از گیرندگان اصلی اطلاعات و اخبار این خبرگزاری محسوب می‌شوند.^{۱۰}

تأسیس خبرگزاری غیرمتعهدها در اواسط دهه ۷۰م نیز گام دیگری بود که از سوی کشورهای عضو جنبش عدم تعهد در جهت ایجاد نظم رسانه‌ای جدیدی برداشته شد.

در سال ۱۹۷۲ م در کنفرانس عمومی یونسکو، مسأله چگونگی سوءاستفاده کشورهای قدرتمند از رسانه‌های جمعی در جهت سلطه بر افکار عمومی جهان و تأثیر آن بر آلودگی فرهنگی و اخلاقی جوامع مطرح شد. به دنبال آن، در سال ۱۹۷۳ اجلاسی متشکل از سران کشورهای غیرمتعهد در الجزایر تشکیل شد که هدف آن تأکید بر همکاری و هماهنگی کشورهای جهان سوم در زمینه ارتباطات جمعی و توسعه مبادلات اطلاعاتی و خبری به منظور رهایی از وابستگی به صادرات خبری اعلام شد. نتیجه نهایی این کنفرانس، تأکید بر «لزوم تجدید سازمان کانال‌ها و شیوه‌های رسانه‌ای موجود با هدف برقراری ارتباط سریع، آزاد و مستقیم بین کشورهای در حال توسعه» بود. از دیگر موضوعات مطرح در این کنفرانس می‌توان به مسأله «از خود بیگانگی فرهنگی»، «تمدن وارداتی» و «بازبازی هویت» اشاره کرد.

همچنین در اواخر سال ۱۹۷۸ کنفرانس عمومی یونسکو طی بیانیه‌ای مسأله «جریان آزاد و متوازن» اطلاعات را

رسانه‌ها در متناسب کردن رفتارها و ارزش‌های خود با سرشت بشری، و تأکید بر ارزش‌های عام و جهانشمول مانند صلح، عدالت، آزادی، امنیت، حقوق بشر، محیط زیست....

۲- لزوم دوری جستن از ضوابط موجود در آژانس‌های بزرگ خبری در جهت انتخاب اخبار و توزیع اطلاعات، بدین معنی که خبرگزاری‌های فعلی (به خصوص در دنیای غرب) غالباً در فکر پخش اخبار مربوط به خشونت‌های جنگی، جنایات، فساد، فاجعه‌ها، بیان پیشرفت‌های علمی و صنعتی خود، تکیه بر قدرت نظامی غرب و بزرگنمایی آن، انعکاس اخبار و رویدادهای منفی جهان غیرغربی، و تأکید بر عقب‌ماندگی علمی، اقتصادی و فرهنگی آنها و گسترش لیبرال دمکراسی به سبک غرب هستند.

۳- ضرورت ایجاد منابع متنوع و قابل اعتماد اطلاعات و اخبار در بین کشورهای جهان سوم و یا در سطوح منطقه‌ای به منظور از بین بردن انحصار قدرت‌های غربی بر جریان اطلاعات.

۴- کمک به ایجاد و گسترش خبرگزاری‌ها و رسانه‌های غیرحکومتی.

۵- اتحاد و یا همکاری خبرگزاری‌ها در سطوح محلی (Local)، ملی (National)، منطقه‌ای (Regional) و جهانی (Global).

۶- متوقف ساختن جنگ رسانه‌ای و پرهیز از دامن زدن به اختلافات بین‌ملت‌ها و فرهنگ‌ها.

۷- حمایت از آموزش خبرنگاران و روزنامه‌نگاران کشورهای مختلف جهان توسط آژانس بین‌المللی ویژه‌ای که اصول و قواعد حرفه‌ای و اخلاقی مشترک و یکسانی را که مورد توافق عام باشد، تعلیم دهد.

همان‌گونه که در مقدمه این مقاله اشاره شد، دهکده جهانی مارشال مک لوهان که به دنبال انقلاب رسانه‌ای شکل گرفته

است، فقط صلح‌آفرین نیست؛ بلکه هر دو وجه «نزاع» و «همیاری» را در درون خود به‌طور بالقوه داراست. اگر چه امروزه زندگی در چنین دهکده‌ای برای همه انسان‌ها اجتناب‌ناپذیر شده است اما صرفاً با تنظیم رفتار رسانه‌ای در این دهکده، می‌توان از بروز تهدیدات و منازعات بین ساکنان آن پیش‌گیری کرد. بدین ترتیب تنها با ضابطه‌مند و نهادینه کردن قواعد حاکم بر ارتباطات این دهکده می‌توان به برقراری و دوام صلح و ثبات در آن امیدوار بود. طبیعتاً نابسامانی و هرج‌ومرج در عرصه تولید و توزیع اطلاعات و اخبار در این دهکده می‌تواند منازعات و کشمکش‌های فراوان نهفته را آشکار کند. □

پی‌نویس‌ها:

۱- کاظم معتمدزاده، وسایل ارتباط جمعی، تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی، ۱۳۷۱.

۲- علی‌اصغر کاظمی، جهانی‌شدن فرهنگ و سیاست، تهران: نشر قوس، ۱۳۸۰، ص ۲۳۵.

۳- آنتونی، اسپیت، ژئوپولیتیک اطلاعات، تهران: سروش، ۱۳۶۴، ص ۸۷.

۴- پیشین، ص ۵۹.

۵- علی‌اصغر کاظمی، پیشین، ص ۲۷۵.

۶- الوین وهیدی نافلر، جنگ و پادجنگ، تهران: انتشارات اطلاعات، ۱۳۷۵، ص ۲۲۴.

۷- نافلر، پیشین، ص ۲۲۳.

8- See: Lippman, W. Public Opinion, New York, The Free Press, 1992.

۹- اسپیت، پیشین، ص ۱۰۴.

۱۰- پیشین، صص ۹۹-۱۰۲.

11- New World Information and Communication Order (NWICO)

12- Francis Fukuyama, "The End of History?", The National Interest, 16 (Summer, 1989), pp. 3-18.

- Francis Fukuyama, "The End of History and the Last Man, (London: 1992), Passim.

۱۳- سیدحسین سیف‌زاده، «نظم‌نویین جهانی: دوران گذر به تلفیق فردگرایی با جمع‌گرایی»، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، ۳۳، بهمن ۱۳۷۳، صص ۱۱۳-۱۵۰.

فهرست منابع فارسی:

۱- اسپیت، آنتونی، ژئوپولیتیک اطلاعات، ترجمه

فریدون شیروانی، تهران: سروش، ۱۳۶۴.

۲- نافلر، آلوین وهیدی، جنگ و پادجنگ، ترجمه مهدی بشارت، تهران: انتشارات اطلاعات، ۱۳۷۵.

۳- سیف‌زاده، سیدحسین، «نظم‌نویین جهانی: دوران گذر به تلفیق فردگرایی با جمع‌گرایی»، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، ش ۳۳، بهمن ۱۳۷۳.

۴- کاظمی، علی‌اصغر، جهانی‌شدن فرهنگ و سیاست، تهران: نشر قوس، ۱۳۸۰.

۵- معتمدزاده، کاظم، وسایل ارتباط جمعی، تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی، ۱۳۷۱.

فهرست منابع انگلیسی:

1- Fukuyama, Francis. The End of History and the Last Man. London: Passim, 1992.

2- Hart, Jeffery A. and Praash Assem (eds). Responding to Globalization London and New York: Routledge, 2000.

3- Lippman, W. Public Opinion. New York: the free Press, 1992.

4- Singer, Max and Aaron Wildavsky. The Real World order: Zones of Peace, Zones of Turmoil. Chatham, NJ: Chatham Htouse Publishers Lnc., 1993.

5- Tehranian, M. Technologies of Power: In Formation Machines and Democratic Prospects. Norwood. NJ: Albex. 1990.

* این مقاله، به سفارش «همایش بین‌المللی خبرگزاری‌ها؛ ائتلاف برای صلح» که روزهای ۲۳ و ۲۴ مهرماه امسال توسط خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران در تهران برگزار شد، تهیه شده و خلاصه آن نیز در همایش مذکور ارائه شده است.